

صفات خدا

درس ۱۵: پیشدانی خدا

دکتر استیون جی. لاوسون

در این جلسه می‌خواهیم به یکی از صفات خیلی مهم خدا یعنی «پیشدانی خدا» بپردازیم. سوء تفاهمات زیادی درباره‌ی موضوع پیشدانی خدا وجود دارد و درک برخی افراد از پیشدانی اینه که خدا از به اصطلاح تونل زمان به پایین نگاه میکند تا ببیند انسان‌ها نسبت به پسرش عیسی مسیح خداوند چطور برخورد می‌کنند.

و اونوقت خدا بر اساس اونچه که از پیش میبیند، انتخابی متقابل نسبت به اونها انجام میده. وقتی خدا میبیند در آینده یک نفر به پسرش عیسی مسیح ایمان میاره، این رو از پیش میبیند، و وقتی از پیش میبیند که اون شخص به مسیح ایمان میاره، اونوقت خدا از ازل اونها رو برای نجات مقرر میکنه.

متأسفانه این ۱۸۰ درجه بر عکس هست. این تفسیر نادرست بزرگی از کلام خداست. به سه دلیل!

شماره‌ی یک: «خدا هرگز به آینده نگاه نکرده که چیزی یاد بگیره.» خدا عالم مطلقه.

ما قبلاً این صفت خدا رو دیدیم. خدا همه چیز رو میدونه. خدا هرگز چیزی یاد نمی‌گیره. خدا هرگز به آینده نگاه نمیکند تا کسی رو ببیند که کاری انجام میده که خود خدا از پیش اون رو مقرر نکرده باشه!

دوم اینکه: «اگر تنها کاری که خدا میکنه اینه که به آینده نگاه میکنه تا ببیند شخص چیکار میکنه و پیشدانی یعنی همین!»، این چیزیه که خدا میبیند: «جمع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هر یکی از ما به راه خود برگشته بود.» تنها چیزی که خدا میبیند اینه که هیچکس به پسرش عیسی مسیح ایمان نمیاره. کتاب مقدس تباهی کامل قلب انسان رو تعلیم میده. کلام خدا اسارت اراده رو تعلیم میده.

کتاب مقدس تعلیم میده که توبه و ایمان نجاتبخش هدیه‌ایست که خدا باید به گناهکار مجرم عطا کنه. کسی نمیتونه خودش ایمان بیاره.

اما سوم اینکه: «پیشدانی به معنای پیش‌بینی نیست»؛ چون در رومیان ۸: ۲۹ می‌گه: «زیرا آنانی را که از قبل شناخت!» بگذارید دو چیز در این باره بگم. که فکر می‌کنم شماره‌ی سه و چهار در لیست ما میشه. این یه ضمیر شخصیه! زیرا آنانی را که از قبل شناخت! نمی‌گه اونچه که از پیش دید! می‌گه: آنانی را که از قبل شناخت!

خدا اتفاقات رو پیش‌بینی نمی‌کنه؛ خدا شرایط رو پیش‌بینی نمی‌کنه؛ خدا تجربیات نجات رو در رومیان ۸: ۲۹ پیش‌بینی نمی‌کنه؛ نمی‌گه اونچه که از پیش دید! می‌گه: آنانی را که از قبل شناخت!

حالا شماره‌ی چهار از دلایل اشتباه بودن این دیدگاه، اینه که «این یه درک اشتباه از معنی پیشدانیه!»؛ واژه‌ی پیشدانی در زبان اصلی به شکلیه که ما تو زبان انگلیسی این رو متوجه نمیشیم. واژه‌ی پیشدانی یک فعل هست با یک پیشوند که کنار فعل اصلی قرار می‌گیره.

فعل اصلی «گینوسکو» هست؛ یعنی دانستن! یعنی شناختن در رابطه‌ای شخصی و محبت‌آمیز. یعنی محبت کردن به شکلی بسیار صمیمی. به محبت بین زن و شوهر در یک رابطه‌ی کاملاً فیزیکی اشاره داره!

اینکه همسرش رو طوری میشناسه که هیچکس دیگه‌ای توی دنیا رو اونطور نمیشناسه.

اون پیشوندی که در کنار «گینوسکو» قرار می‌گیره، «پرو» هست که یعنی «قبل» مثل «از پیش». پس واژه‌ی ما «پروگینوسکو» هست. «پرو» یعنی «از قبل». واژه‌ی پیشدانی یا پروگینوسکو یعنی کسانی که خدا از قبل انتخاب کرد که با محبتی متمایزکننده اونها رو محبت کنه، به طریق‌هایی که دیگران رو اونطور محبت نمی‌کنه.

بیایید کتاب مقدس رو مطالعه کنیم. بیایید کل کتاب مقدس رو در این زمینه بررسی کنیم. باشه؟

پس می‌خوام با من به پیدایش ۴: ۱ برید. بیایید از پیدایش شروع کنیم، باشه؟ و می‌خوام ببینید واژه‌ی «شناختن» چطور برای اولین بار در کلام خدا دیده میشه. این به زبان عبری نوشته شده و به جای واژه‌ی گینوسکو، واژه‌ی «یادا» به کار رفته.

حالا، پیدایش ۴: ۱، «و آدم، زن خود حوا را بشناخت و او حامله شده، قائن را زایید.» این فعل روابطی همراه خودش داره؛ ما درک می‌کنیم مفهومش چیه. این روشی محتاطانه و مناسب هست که کتاب مقدس برای صحبت درباره‌ی این اتحاد فیزیکی بین مرد و همسرش استفاده می‌کنه.

در واقع در زبان اصلی می‌گه: مرد زن خود را شناخت و او حامله شد و زایید. واژه‌ی شناختن در کتاب مقدس یعنی محبت در صمیمی‌ترین رابطه جایی که رابطه ای نزدیک وجود دارد؛ و این ابرازی از محبت غیرقابل درک هست.

یعنی این شخص رو طوری محبت می‌کنم که دیگران رو اونطور محبت نمی‌کنم. اینکه قلبم رو به اون شخص معطوف می‌کنم. اینکه با محبتی متمایزکننده محبت می‌کنم.

حالا که داریم این رو درک می‌کنیم، خوبه بگم در آیه‌ی ۲۵، در پیدایش باب ۴ هم این تکرار شده. «پس آدم بار دیگر زن خود را شناخت، و او پسری بزاد و او را شیت نام نهاد.» همه‌ی اینها برای اینه که آماده بشید تا وقتی به عهد جدید و به واژه‌ی پیشدانی رسیدیم، بتونیم درک کنیم که واژه‌ی شناختن یا دانستن یعنی چی! این واژه به هیچوجه به معنای پیش‌بینی نیست.

حوا فقط با پیش‌بینی باردار نمی‌شد. یکم بیشتر از این لازم بود. مستلزم رابطه و اتصالی عاشقانه و صمیمی بود.

بریم به کتاب عاموس. عاموس باب ۳ آیه‌ی ۲. و اینجا می‌خوام ببینید که واژه‌ی شناختن به صورت مترادف با واژه‌ی انتخاب شدن به کار رفته؛ انتخاب شدن برای مورد محبت قرار گرفتن! در عاموس ۳: ۲ می‌خوانیم که خدا به اسرائیل می‌گه: «من شما را فقط از تمامی قبایل زمین شناختم.» در ترجمه‌ای می‌گه انتخاب کردم! و تو کتاب من شماره زده و پایین صفحه ترجمه‌ی صحیح رو نوشته: «شناختن!»

شناختن، انتخاب کردنه. شناختن یعنی انتخاب کنی برای محبت کردن. شناختن یعنی انتخاب کنی که با محبتی متمایزکننده محبت کنی.

خدا می‌گه من اونطور که اسرائیل رو محبت می‌کنم سایر قبایل امت‌ها رو محبت نمی‌کنم. من فقط شما رو انتخاب کردم. من فقط شما رو محبت کردم. شما قوم برگزیده‌ی من، شما رو به طریق‌هایی محبت کردم که مصریان یا بابلی‌ها یا آشوری‌ها رو به اون طریق‌ها محبت نکردم.

من محبتم رو نسبت به شما آشکار کردم؛ من انبیا رو فرستادم؛ من عهدهای خودم رو به شما دادم. من حقیقتم رو به شما دادم. من کارهای خیلی بیشتری برای شما کردم.

واژه‌ی شناختن یعنی انتخاب کردن برای محبت نمودن به شکلی متمایزکننده؛ میتونیم بگیم به شکلی تبعیض‌آمیز.

حالا به عهد جدید بریم؛ به متی باب ۱. میخوام چیزی بهتون نشون بدم، اگر قبلا ندیدیدنش، این آیهی کوچک اونطور که تو آلاباما میگی تا جوراب هاتونم میلرزونه! (کنایه از فوق العاده بودن) خیلی خب؟ متی ۱: ۲۵، البته جمله از آیهی ۲۴ شروع میشه؛ متی ۱: ۲۴ میگه: «پس چون یوسف از خواب بیدار شد، چنانکه فرشتهی خداوند بدو امر کرده بود، به عمل آورد و زن خویش را گرفت.» آیهی ۲۵: «و تا پسر نخستین خود را نرایید، او را شناخت.»

در واقع همونطور که در پاورقی ترجمهی کتاب مقدس من هست، در اصل میگه او توسط یوسف شناخته نشد! تو بعضی ترجمه ها میگه مریم رو باکره نگه داشت! که این یه ترجمهی دقیق نیست؛ بلکه اینجا یک معادل پویاست که میگه او رو باکره نگه داشت!

و واژهی باکره حتی تو زبان اصلی نیومده. این یک واژهی یونانی کاملا متفاوت. چیزی که میگه اینه که یوسف هرگز او رو شناخت و او توسط یوسف شناخته نشد. این یعنی باکره بودن؛ اینکه مردی شما رو شناخته.

خب دربارهتون میدونن، اما در یک رابطه عاشقانهی وصل کننده، متمایزکننده، خاص و صمیمی شناخته نشدید. وقتی به رومیان ۸: ۲۹ می‌رسیم، این موضوع کاملا شفاف میشه. فعلا اونجا نرید، چون چند تا آیهی دیگه هست که میخوام نشونتون بدم.

با من به متی ۷: ۲۳ برید. اینجا در انتهای بزرگترین موعظه‌ی تاریخ هستیم که توسط بزرگترین واعظ تاریخ موعظه شده. این موعظه‌ی سر کوه هست و واعظ، خداوند عیسی مسیح. و میخوام اینو اضافه کنم که او بزرگترین مبشر تاریخ هم هست! به انتهای این موعظه می‌رسیم و میدونید که عیسی چی میگه: «از در تنگ داخل شوید. زیرا فراخ است آن در و وسیع است آن طریقی که مؤدی به هلاکت است و آنانی که بدان داخل می‌شوند بسیارند. زیرا تنگ است آن در و دشوار است آن طریقی که مؤدی به حیات است و یابندگان آن کم‌اند.» و حالا میاییم پایین‌تر و آیهی ۲۱ رو می‌خونیم: «نه هرکه مرا «خداوند، خداوند» گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده‌ی پدر مرا که در آسمان است به جا آورد.» عیسی نمیگه که ما با اطاعت نجات می‌یابیم؛ اما همیشه شواهد نجات حقیقی در اطاعت دیده میشه؛ همچنین فرمان انجیل و این فعل امری که میگه: «ایمان بیاور» حالا شما یا از این اطاعت می‌کنید یا نمی‌کنید. فرمان انجیل اینه: توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است! اگر ایماندار هستید، مطیع هستید. اگر بی‌ایمان هستید، نامطیع هستید. این معنی آیهی ۲۵ هست.

حالا آیهی ۲۲، «بسا در آن روز مرا خواهند گفت: "خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت ننمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختم؟" خداوندا، من کلیسا رفتم؛ خداوندا من توی کانون شادی درس می‌دادم؛ خداوندا، من تو رو خدمت کردم. تو منو میشناسی خداوندا! خداوندا، خداوندا، تو منو به یاد میاری!

آیهی ۲۳: «آنگاه به ایشان صریح خواهم گفت که هرگز...» چی؟ «شما را نشناختم!» خدا تعداد موهای سرشون رو هم میدونه! روز تولدشون رو میدونه! هر کلمه‌ای که گفتند رو میدونه. پس یعنی چی که هرگز شما رو نشناختم؟

یعنی ما هرگز با هم رابطه نداشتیم! من هرگز شما رو صمیمانه نشناختم. تنها چیزی که شناختم درباره‌ی شما بوده! شما از من خیلی دور بودید. شما هرگز به مکاشفه‌ی فیض من پاسخ مثبت ندادید. من هرگز شما رو نشناختم و شما هم هرگز من رو نشناختید.

«ای بدکاران از من دور شوید!» آیا چیزی واضح‌تر از معنی واژه‌ی شناختن میشه؟ شناختن یعنی داشتن رابطه‌ی شخصی با خدا از طریق پسرش عیسی مسیح.

به یوحنا باب ۱۰ برید. فکر می‌کنم این موضوع واضح‌تر هم حتی میشه. البته مثل خورشید وسط ظهر می‌مونه که نیاز نداره واضح‌تر بشه.

یوحنا باب ۱۰، می‌خوام آیهی ۱۴ و چند آیهی دیگه رو در این قسمت ببینید. یوحنا ۱۰:۱۴! اینجا مثل شبان نیکوست. من کل این باب رو دوست دارم. عیسی خودش رو به عنوان شبان نیکو به ما نشون میده. بگذارید خودم رو محدود کنم به این آیه، آیهی ۱۴! عیسی فرمود: «من شبان نیکو هستم و خاصان خود را می‌شناسم و خاصان من مرا می‌شناسند.» این خوبه!

حالا فکر می‌کنید شناختن اینجا به چه معناست؟ فکر می‌کنید یعنی عیسی داره میگه، من کد امنیتی روح شما رو میدونم؟ رتبه‌بندی اعتباری شما رو میدونم؟ نه! وقتی میگه شما رو می‌شناسم و شما من رو می‌شناسید، منظورش اینه که ما رابطه‌ای صمیمی، شخصی و نجات‌بخش با او داریم. این نیست که فقط درباره‌ی من بدونید؛ شما واقعا من رو می‌شناسید! و می‌دونید چی مهمتر از اینه که شما خدا رو بشناسید؟ اینکه خدا شما رو بشناسه! اینکه عیسی مسیح شما رو بشناسه.

می‌خوام این سوال رو ازتون بپرسم، الان مدتی هست که با هم بودیم. آیا خداوند رو می‌شناسید؟ آیا خداوند شما رو می‌شناسه؟ ازتون پرسیدم آیا به کلیسا میرید! یا آیا لیگونیئر

رو دوست دارید! ازتون نپرسیدم تاریخ تولد آر. سی. اسپرول رو می‌دونید یا نه! آیا خداوند رو می‌شناسید؟ آیا عیسیای مسیح شما رو می‌شناسه؟ چون اگر او رو نمی‌شناسید یک روز می‌شنوید که بهتون میگه، «ای بدکار از من دور شو!»

شناختن یعنی وارد شدن به یک رابطه‌ی شخصی، نجات‌بخش و صمیمی با عیسیای مسیح. پایین‌تر به آیه‌ی ۲۷ نگاه کنید. مثل زمانیه که دیم رو می‌چرخونیم. چراغ رو تو اتاق ناهارخوری روشن می‌کنید و چراغ هی روشن و روشن‌تر میشه. درسته؟

آیه‌ی ۲۷: «گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند.» گینوسکو! شناختن یعنی داشتن یک رابطه‌ی نجات‌بخش و عاشقانه! پس پیشدانی به چه معناست؟ یعنی قبل از شروع زمان، پیش از بنیاد عالم، در ازل، خدا دور اسم شما خط کشید و شما رو جدا کرد و انتخاب کرد که شما رو محبت کنه و قلبش رو به شما معطوف کنه؛ با محبت و علاقه‌ی سوزان و فروزان.

اینکه او با عهد جاودانی خودش از پیش از بنیاد عالم وارد رابطه‌ای نجات‌بخش و عاشقانه با شما شد و از ازل نام شما رو در دفتر حیات بره نوشت. «تو از آن من هستی و من قلبم را معطوف به تو کردم و با محبتی ازلی تو را دوست داشتم.» این معنی واژه‌ی پیشدانی‌ست.

برید به اعمال ۲: ۳۲؛ چند جا در کتاب مقدس هست که پیشدانی مترادف با «از پیش منصوب‌شدگی» به کار رفته که خودش مترادفی برای «از پیش تعیین‌شدگی» هست. در اعمال باب ۲ در حالی که پطرس در روز پنطیکاست داره موعظه می‌کنه، در آیه‌ی ۲۳ این عبارت سنگین رو بیان می‌کنه.

او به عمق ماجرا میره. این یک انجیل کوچک و حقیر نبود که دنبال ساده‌باوری باشه و فیض ارزون رو ارائه بده. بلکه این یه پیغام قدرتمند بود. و در آیه‌ی ۲۳ میگه: «این شخص [درباره‌ی عیسیای مسیح صحبت می‌کنه] چون بر حسب اراده‌ی مستحکم و پیشدانی خدا تسلیم شد.»

خدا از پیش صلیب رو معین کرده بود. عیسی بره‌ی خدا بود که پیش از بنیاد عالم ذبح شد. خدا پسرش رو تعیین کرد و او رو برگزید تا نجات‌دهنده، فدیهدهنده و آشتی‌دهنده‌ی برگزیدگان خدا بر صلیب جلجتا باشه!

و وقتی عیسی به روی صلیب رفت، از پیش مورد محبت خدای پدر بود؛ او پسر محبوب خدا بود که از او خشنود بود! و پدر محبت متمایزکننده‌ی خودش رو معطوف به پسرش عیسی مسیح کرد، در حالی که او در اطاعت به سوی صلیب می‌رفت تا به جای ما بمیره.

فکر می‌کنید این یعنی خدای پدر فقط از تونل زمان به پایین نگاه کرد تا ببینه پسرش چیکار میکنه؟ انگار بگه نمی‌دونم قراره چیکار کنه! اوه اینجارو! اونها دستگیرش کردند! ای بابا! اون رو پیش پیلاتس بردند، چی می‌خواه بشه؟ اون چیه؟ یه صلیب تو دستشه! اوه، مجبور شد اون رو بده به شمعون، نمیتونه خودش حملش کنه! اوه، این شرایط خارج از کنترل! و الان دارم این رو پیش‌بینی می‌کنم! پس فکر می‌کنم بهتره از این شرایط بد به نیکویی استفاده کنم. پس من این رو قبول می‌کنم و این رو نقشه‌ی نجات خودم می‌کنم؛ چون همه چیز از کنترل خارج شده!

می‌دونید این در واقع کفره! بیایید اسمش رو همونی که هست بذاریم: این کفره! پس خدای پدر قلبش رو معطوف به خدای پسر کرد و قلبش رو معطوف به برگزیدگانش کرد. و برگزیدگانش رو به عنوان هدیه‌ای از روی محبت به پسر داد؛ و قرار بود پسر به این جهان بیاد و به روی صلیب بره و اونجا پسر محبوب خدای پدر تحت غضب خدا به نیابت از گناهکاران رنج بکشه.

سریع بریم به اول پطرس ۱ : ۲؛ اول پطرس ۱ : ۲؛ هرچه سریع‌تر به این آیه برید. و می‌خوام ببینید که پیشدانی دو بار در این باب استفاده شده. اول پطرس ۱ : ۲-۱، «از پطرس، رسول عیسی مسیح، به غریبانی که پراکنده‌اند در [همه‌ی این مکان‌ها در آخر آیه‌ی ۱]؛ برگزیدگان بر حسب علم سابق خدای پدر!» و یکی میگه: اوه، یه لحظه صبر کن! این پیشدانی هست که عامل کنترل‌کننده‌ی برگزیدگیه!

سریع نتیجه نگیرید! قبل از اینکه اینطور جواب بدید به آیه‌ی ۲۰ برید! در آیه‌ی ۲۰ اینطور می‌خونیم؛ در انتهای آیه‌ی ۱۹ می‌بینیم که درباره‌ی مسیح داره صحبت میکنه؛ میگه خون مسیح! «که [عیسی مسیح] پیش از بنیاد عالم معین شد!» فکر می‌کنید این به چه معناست؟ فکر می‌کنید این یعنی اینکه خدا منفعلانه از تونل زمان نگاه کرده تا ببینه چی بر سر خداوند عیسی میاد و بعد اون رو هر چی که هست با نقشه‌ی خودش ادغام کنه؟

او باید صبر کنه ببینه چی پیش میاد؟ نه! در آیه‌ی ۲۰ این به این معناست که از ازل پدر پسرش رو بسیار دوست داشت و قلبش رو معطوف به او کرده بود و انتخاب کرد که با محبت خارق‌العاده پسرش رو محبت کنه.

هر کاری با آیهی ۲۰ می‌کنید باید با آیهی ۲ هم بکنید. هر طور که پیشدانی پدر نسبت به پسر رو در آیهی ۲۰ درک می‌کنید، باید پیشدانی پدر رو نسبت به برگزیدگان هم به همون شکل درک کنید.

حالا این پیشدانی در آیات یک و دو به چه معناست؟ یعنی اون‌هایی که توسط پدر انتخاب شدند، به خاطر محبت متمایزکننده، محبت برگزیننده، محبت مطلقا حاکمانه‌ای که پدر برای همه‌ی برگزیدگانش داره، انتخاب شدند.

حالا رومیان ۹: ۱۳ میگه، «یعقوب را دوست داشتم اما عیسو را دشمن.» به نظرم محبت متمایزکننده است! «در محبت، ما را از قبل تعیین نمود تا او را پسر خوانده شویم.» پس پیشدانی یعنی چی؟

دیگه واضح‌تر از این نمیشه. یعنی کسانی که از پیش محبت کرد! کسانی رو که از ازل برگزید تا با محبتی متمایزکننده محبت کنه!

«آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود و آنان را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند و آنان را که خواند، ایشان را نیز عادل گردانید و آنان را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد.»

به همین دلیل هست که وقتی به آسمان برسیم و بر سرمون تاج گذاشته بشه، اون تاج حدود ۵ ثانیه روی سرمون می‌مونه؛ چون اون رو پیش پاهای او می‌گذاریم؛ که نشون‌دهنده‌ی اینه که از تو، به تو و تا تو همه چیز هست. تو من رو برگزیدی، تو من رو فدیّه دادی. تو من رو خوندی. تو من رو از پیش تعیین کردی. این تاج چرا روی سر من باشه؟ باید برگرده نزد پاهای تو. این معنی پیشدانی خداست!